

تقدیر تاریخی آن دست‌های لطیف کارکرده

در میان تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی تابلوی معروفی هست تحت عنوان «**کارگران مشغول کارند**». اینکه کاربرد این تابلو چیست و در چه مکانهایی به کار قوانین می‌آید ارتباط چندانی به آنچه می‌خواهیم بگوییم ندارد، هرچند بی‌ارتباط هم نیست. فعلاً برای ما این مهم است که به شهادت وجود این تابلو، این «کارگران» هستند که مشغول کارند و نه سرمایه‌دارها. در واقع هیچ‌کس در هیچ‌کجا تابلویی با عکس یا عنوان «سرمایه‌داران مشغول کارند» ندیده و احتمالاً نخواهد دید. چون «سرمایه‌داران» در نظام سرمایه‌داری نیازی به کار کردن ندارند، به این دلیل خیلی ساده که سرمایه‌داران «نیروی کار کارگران» را با مقدار معمولاً ناچیزی پول خریداری می‌کنند تا کارگران به جای آنها مشغول کار باشند. آنها اگر در سفر یا در حال تفریح و استراحت نباشند، نهایتاً در اتاق‌هایی مجلل و در هوایی مطبوع و دور از چشم کارگران «مشغول جلسه هستند»؛ که آن هم نیازی به نصب تابلو ندارد. چون حتی اگر کسی بعد از عبور از طبقات و راهروها و اتاق‌های مختلف با موفقیت به اتاق جلسه نزدیک شود مسئولیت اعلام این که «**آقا یا خانم سرمایه‌دار مشغول جلسه هستند**» به عهده‌ی منشی یا مدیر دفتر است. در این جلسات (که معمولاً با حضور سرمایه‌داران و نوچه‌هایشان مثل مدیران و معاونان و کارمندان رده‌بالا و پیمانکاران و وکیلان و حسابداران برگزار می‌شود) جایی برای کارگران به عنوان طرف گفتگو و عضوی از جلسه وجود ندارد. هرچند بنا به ضرورت خدمات‌رسانی در همان اتاق‌ها گاهی پیش می‌آید که تعدادی از کارگران مشغول کار باشند. کارگرانی که مشغول کار پذیرایی کردن و نظافت کردن هستند؛ به این دلیل که هیچ تابلویی که روی آن نوشته شده باشد «سرمایه‌داران مشغول کارند» وجود ندارد، و سرمایه‌دار چون نمی‌تواند کار کند مجبور می‌شود «نیروی کار» را از «کارگر» در ازای مبلغی «مزد» خریداری کند تا کار نظافت و پذیرایی را نیز برایش انجام دهند. بیچاره سرمایه‌دار! که چون تابلو ندارد مجبور است مدام به کارگران که تابلوی مخصوص خودشان را دارند مزد بدهد و مدام دست در جیب کند و پول پرداخت کند. و احتمالاً به همین دلیل مدام جلسه می‌گذارد تا با همفکری و کمک نوچه‌هایش این مزدهای پرداخت شده را بتواند جبران کند تا با خیال آسوده به وظایف مهم‌ترش که بخشی از آن تفریح و وقت‌گذرانی در کنار خانواده و دوستان و بخش دیگرش رشد درآمد است برسد. و معمولاً یکی از مهم‌ترین راه‌کارها برای جبران هزینه‌هایش این است که کمی از بالا و پایین «مزد» کارگرها بزند، و کمی هم پرداخت «مزد» کارگرها را عقب بیاورد، و کمی هم از تعداد کارگرهایش کم کند، و کمی هم به ساعت کار

«کارگرانی که هنوز مشغول کارند» اضافه کند، و کمی هم در هزینه‌های مربوط به «ایمنی محیط کار» که «کارگران در آن مشغول کارند» صرفه‌جویی کند و تا آنجا که در توان دارد از «بیمه» کردن کارگران امتناع کند، و مقدار زیادی هم (به دروغ) عِزّ و جِزّ و آه و ناله به جای مزد تحویل دهد و حتی اگر کارگران بیخیالِ مزدشان نشدند اگر لازم شد اعلام ورشکستگی کند (تا کارگران پُر رو نشوند و دلشان به رحم بیاید) و اگر باز هم کارگران از رو نرفتند با «دوستانش که در اداره‌ی پلیس مشغول به کارند» تماس بگیرد تا بیایند و کمی با کارگرهایی که مزدشان را می‌خواهند صحبت کنند، و اگر کارگران باز هم مزدشان را می‌خواستند چند نفری از آنها را برای دردِ دل کردن پیشِ دوستانِ دیگرش که در دادگاه مشغول کارند بفرستند، و خیلی راهکارهای دیگر تا اینکه بتواند آن مزدهای پرداخت شده را جبران کند تا به سود و درآمدش خدش‌های وارد نشود. شاید اگر سرمایه‌دار هم مثل کارگر تابلوی خود را داشت و خودش کارهای خودش را میکرد اینهمه درد سر درست نمیشد.

بالاخره روزی خواهد رسید که از میانِ انبوه «کارگرانی که مشغول کارند» و همچنین «کارگرانی که مدام دنبال کارند»، کارگرانِ دلسوز و مهربانی پیدا شوند که دلشان به حال سرمایه‌داران بیچاره بسوزد و تصمیم بگیرند تابلوی مخصوصی برای آنها طراحی کنند که روی آن نوشته باشد: «**سرمایه‌داران مشغول کارند**». البته وقتی سرمایه‌داران هم مثل کارگران مشغول کار باشند دیگر سرمایه‌دار نیستند. پس بهتر است روی تابلوی مخصوص سرمایه‌دارانی که دیگر سرمایه‌دار نیستند نوشته شود: «**سرمایه‌داران سابق مشغول کارند**». و البته سرمایه‌داران سابق چون مثل کارگران به کار کردن عادت ندارند شاید بهتر باشد برای شروع به آنها کمک کرد. پس باید عنوان تابلویی که برایشان طراحی می‌شود را هم تغییر داد: «**سرمایه‌داران سابق مشغول کار اجباری هستند**».
